

نقش‌های زبان

۱- اهداف

۱-۱- اهداف کلی

– آشنایی با نقش‌ها و کارکردهای زبان

۱-۲- اهداف جزئی: انتظار می‌رود در پایان این درس، دانش‌آموز بتواند:

– اساسی‌ترین نقش زبان را از دیگر نقش‌های زبانی تشخیص دهد.

– از نقش ارتباطی زبان به خوبی استفاده کند.

– نقش‌های زبان را با آوردن نمونه‌هایی از هر یک توضیح دهد.

– به مقایسه‌ی نقش‌های زبان بپردازد.

– کاربرد واج‌های میانجی را بیان کند و برای آن‌ها مثال بیاورد.

۲- منابع

– مبانی زبان‌شناسی؛ ابوالحسن نجفی، صص ۴۱-۳۴، نقش‌های زبان

– زبان‌شناخت؛ سیما وزیرنیا، صص ۲۶-۲۴ کارکردهای زبان

– دانش‌نامه‌ی ادبی؛ به سرپرستی حسن انوشه، صص ۷۵۶-۷۴۲، نقش‌های زبان، زبان ادبی

– گفتارهایی درباره‌ی زبان‌شناسی؛ کوروش صفوی، ص ۲۷۰

– نظریه‌های نقد ادبی معاصر؛ مهیار علوی مقدم، صص ۲۳۹-۲۳۱، نظریه‌ی فرایند ارتباطی

زبان

– مبانی زبان؛ رابرت لارنس ترسک، صص ۲۰۹-۲۰۴، استفاده از زبان

– نقش‌های زبان؛ پیتر نیومارک، ترجمه‌ی عبدالحمّد دلخواه، مجله‌ی مترجم، شماره‌ی ۱۵،

بایز ۱۳۷۳

– از زبان‌شناسی به ادبیات؛ کوروش صفوی، فصل اول، ملاحظات نظری

– زبان و تفکر؛ محمدرضا باطنی، صص ۱۲۲-۱۱۶

۳- روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش مقایسه‌ای
- روش دریافت مفهوم

۴- مفاهیم و نکات اساسی درس

- چهار نقش اساسی زبان عبارت‌اند از: ایجاد ارتباط، محمل اندیشه، حدیث نفس و آفرینش ادبی.

- اساسی‌ترین نقش زبان، ایجاد ارتباط در میان افراد یک جامعه‌ی زبانی است.

- تنها با تکیه بر زبان می‌توان در چارچوب مفاهیم عام و انتزاعی درباره‌ی جهان اندیشید و به احکام علمی دست یافت.

- نقش سوم زبان این است که به کمک آن می‌توان از خود و آنچه در درون آدمی می‌گذرد، سخن گفت.

- شاعر به کمک زبان و آرایه‌های ادبی، آثار هنری می‌آفریند.

- ما هر چهار نقش زبان را همراه با خود زبان، در کودکی و به‌عنوان بخشی از فرایند رشد طبیعی خود فرامی‌گیریم.

- از «ی» میانجی برای آسانی تلفظ استفاده می‌کنیم: موی کوتاه.

«درآمد»

زبان را خانه‌ی وجود آدمی نامیده‌اند؛ یعنی، هستی انسان، مهمان ارجمندی است که چندی در این سرای مُجَلَّل اقامت می‌کند و در آن، وجود دیگران را به حضور می‌پذیرد و گنج پنهان خود را به نمایش می‌گذارد و به گفت‌وگو با دیگران می‌پردازد. بشر گوهر گران‌بهایی است که در صدف زبان نهان است و در آن پرورش می‌یابد. تفاوت انسان با دیگر موجودات در برخورداری از نُطق است. گُلخانه‌ی حیات آدمی رایحه‌ی روان خود را مدیون شکوفایی سوسن زبان است. وقتی گل واژه‌ها

بشکنند، باغ شخصیت پر از پژواک پرنده‌های پیوند می‌شود. هر لاله‌ی کلام، چراغ رابطه‌ای است که روشن می‌گردد. انسان با زبان می‌آفریند و خود خدای جهان خویش می‌شود.
برای نمونه، وقتی فیاض لاهیجی می‌گوید:

از هستی تو عالم دیوانه پر شده است در خانه نیستی و ز تو خانه پر شده است
عالم فشرده‌اند که آدم سرشته‌اند خم‌ها تهی شده‌است که پیمان‌ها پر شده است

واژه‌ی عالم لزوماً همان مصداق جهان واقع را ندارد، معنای خانه نیز از چهار دیواری مسکونی مُتعارف به کلی جداست.

انسان با واژه‌ها و جمله‌های معمولی، دنیای دانش را ایجاد می‌کند که تعبیر و تصویر جهان واقعی است ولی وقتی در همین واژه‌ها روح پنهان عاطفه و احساس دمیده می‌شود، جهان جان به جلوه در می‌آید و آنچه نادیدنی است، دیده می‌شود. با این نگرش، زبان دو حیظه‌ی جداگانه دارد:

الف - حیظه‌ی تجربه (عبارت)

ب - حیظه‌ی تعبیر (اشارت)

به بیان دیگر می‌توان گفت: زبان علم، عبارت است و زبان عشق، اشارت.

وقتی آندره مارتینه برای زبان چهار نقش:

۱- ایجاد ارتباط، ۲- محمل اندیشه، ۳- حدیث نفس و ۴- زیبایی‌آفرینی قائل می‌شود، در واقع به همین دو حیظه توجه دارد. ایجاد ارتباط و محمل اندیشه، نشان از تجربه‌های علمی و ارتباطی دارد و حدیث نفس و آفرینش زیبایی حاکی از دنیای تعبیر است.

تجربه، بیداری است و تعبیر، خواب. وقتی خواب‌های خود را تعبیر می‌کنیم، از واقعه‌ها و پدیده‌های طبیعی سخن نمی‌گوییم. از جهان پنهان و ناخودآگاهی حرف می‌زنیم که آفریده‌ی ذهن و خیال ماست. زبان، این ذهنیت و خواب‌گونگی را باز می‌نماید؛ بدین معنی، می‌توانیم زبان را آینه‌ی ذهن بدانیم.

جز مارتینه، دیگران هم درباره‌ی نقش‌ها و کارکردهای زبان مطالبی دیگر گفته‌اند.

در درس پانزدهم - آشنایی با نوشته‌های ادبی - گفته شده است که برخی از زبان‌شناسان برای زبان شش نقش یا کارکرد قائل‌اند. اکنون به دنبال آن مطالب، می‌افزاییم که این نظریه را ابتدا رومن یاکوبسن (۱۹۸۲-۱۸۹۶) زبان‌شناس برجسته‌ی روسی، اظهار داشت. البته منظور او بیش‌تر توضیح کارکردهای زبان ادبی بود.

پیش از یاکوبسن، بولر برای زبان سه نقش قائل شده بود. مبنای طبقه‌بندی او از نقش‌های زبان

در نظر گرفتن سه عامل بنیادی ارتباط یعنی گوینده، مخاطب و موضوع بوده است. وی با توجه به این سه عامل به ترتیب به وجود سه نقش: بیانی، ندایی، و توصیفی قائل شده است، پس از او یاکوبسن با طرح نقش‌های شش‌گانه‌ی زبان، در اصل دیدگاه بولر را گسترش داده و با توجه به سه عامل دیگر مؤثر در ایجاد ارتباط، یعنی پیام، مجرای ارتباطی و رمزگان به لحاظ روش شناختی نظر بولر را تکمیل کرد. نظریه‌ی یاکوبسن و کارکردهای زبانی او، در درس پانزدهم بیان شد و از تکرار آن‌ها می‌پرهیزیم. واقعیت این است که ما زبان را برای تحقق اهداف بسیار متنوعی به کار می‌گیریم؛ از جمله:

– انتقال اطلاعات

– مشغول کردن خود

– سرگرم کردن دیگران

– بیان فردیت خود

– حفظ و بیان عضویت خود در یک گروه

– متقاعد کردن دیگران برای انجام کاری

– برقراری و حفظ رابطه‌ی خوب یا بد با دیگران

– بیان احساسات

یکی از متنوع‌ترین تقسیم‌بندی‌ها برای کارکردهای زبان، از آن «هالیدی» است که در زیر بیان

می‌شود:

۱- زبان ابزاری – برای برآوردن نیازهای روزمره به کار می‌رود؛ مانند: مکالمه، نامه‌های بازرگانی، آگهی‌ها، تبلیغات و بعضی یادداشت‌ها.

۲- زبان تنظیم‌گر – نقش آن ایجاد نظم و قاعده در رفتار دیگران است؛ مانند: راهنمایی‌ها، اشاره‌ها، دستورها، خواهش‌ها.

۳- زبان تعامل – در روابط اجتماعی تفاهم ایجاد می‌کند؛ مانند: گفت‌وگوها، نامه‌های دوستانه، مباحثه‌ها، برخی ایماها.

۴- زبان ابتکاری (خصوصی) – برای بیان عقاید شخصی به کار می‌رود؛ چون: یادداشت‌های شخصی، بازگو کردن دیدگاه‌ها درباره‌ی مسائل از جمله ادبیات.

۵- زبان تخیلی و خلاق – بیان هنری و خیال‌انگیز و نوآفرینی‌های ادبی؛ مانند: داستان‌نویسی، نمایش‌نامه، سرودن شعر و گاه پاتومیم (در حیطه‌ی نمود حرکتی).

۶- زبان پژوهش و تحقیق – کسب اطلاعات در زمینه‌های گوناگون و تحقیق؛ مانند: مصاحبه‌ها، مباحثه‌ها و مقاله‌های تحقیقی.

۷- زبان اطلاع‌رسانی - برای ارائه‌ی اطلاعات در زمینه‌های گوناگون؛ مانند: گزارش‌های شفاهی و کتبی، مباحثه، استفاده از زبان تصویری (فیلم، نقاشی، کاریکاتور، گرافیک و...) در اطلاع‌رسانی.

اگر همه‌ی این نظریه‌ها را جمع و تلخیص کنیم، ظاهراً دو نقش اساسی را محور یا مرکز و بقیه را حاشیه و فرع آن‌ها خواهیم یافت. این دو نقش عبارت‌اند از:

الف - نقش ارتباطی زبان

ب - نقش ادبی زبان

این نقش‌ها در دو حیطه‌ی زبان و ادبیات گسترش می‌یابند. زبان، خودکار، عادی و قاعده‌مند است ولی ادبیات، قاعده‌گریز، غیرعادی و برجسته است.

برجسته‌سازی می‌تواند نقش ارتباطی زبان را به نقش ادبی و آفرینش زیبایی سوق دهد اما کارکردها و نقش‌های زبان ویژگی‌هایی دارند؛ از جمله:

۱- زبان به‌ندرت برای نقش خاص به کار برده می‌شود. به‌طور معمول، دو یا سه نقش در یک گفتار یا نوشتار درهم ادغام می‌شوند.

۲- نقش‌های زبانی، مخاطب را در سخنی که می‌شنود و خواننده را در متنی که می‌خواند، درگیر می‌کنند.

۳- کارکردهای زبان دو سویه‌اند و به نوبت جانشین هم می‌شوند.

۴- مهارت در یکی از نقش‌ها به نقش دیگر تعمیم داده نمی‌شود.

۵- زبان در بستر طبیعی تجربه‌ی ارتباطی، بیش‌تر و بهتر آموخته می‌شود تا در بستر فعالیت‌های تمرینی تصنعی فاقد نقش‌های یادشده.

گفتیم که زبان به‌طور کلی دو نقش ایفا می‌کند:

الف - ایجاد ارتباط (زبان عادی)

ب - زیبایی‌آفرینی (زبان ادبی)

البته زیبایی‌آفرینی هم نوعی ارتباط است اما چگونگی آن با ارتباط عادی تفاوت دارد.

اکنون به اختصار به برخی تفاوت‌های این دو نوع نقش یا کارکرد اشاره می‌کنیم.

۱- برخورد زبان عادی یا هنجار با جهان هستی، برخوردی برون‌گرایانه و برخورد زبان ادبی با هستی، برخوردی درون‌گرایانه است. زبان عادی و هنجار با واقعیت رابطه دارد و زبان ادبی با تخیل.

۲- برخورد زبان عادی یا هنجار با جهان هستی، بر منطق استوار است اما زبان ادبی به منطق‌گریزی

گرایش دارد.

۳- زبان عادی با هنجار زبان و نظام و قواعد آن هم‌راستا است اما زبان ادبی به پرهیز از هنجار زبان و فرارفتن از قواعد آن میل دارد.

۴- ابزار زبان هنجار، حس، اندیشه، آزمون و تجربه است و ابزار زبان ادبی در درجه‌ی اول، خیال و ابداع. حس و اندیشه و آزمون فقط در گذر از خیال و ابداع می‌توانند نمود یابند نه مستقیماً و آزادانه.

۵- هدف اصلی زبان هنجار، کشف و شناخت عناصر سازنده‌ی هستی و روابط جاری میان آن‌هاست. هدف زبان ادبی، کشف جهان هستی نیست بلکه آفرینش جهان‌های دیگر است؛ جهان‌هایی نو، بی‌سابقه و خیالی که عناصر آن‌ها هم با جهان هستی پیوند برقرار کنند و هم روابط ویژه‌ی خود را داشته باشند.

۶- حاصل برخورد زبان هنجار با هستی، دانش و حاصل برخورد زبان ادبی با هستی، هنر است تفاوت اساسی هنر و دانش آن است که تصاویر یا جهان خیالی هنر محتمل صدق یا کذب نیست؛ زیرا آزمون شدنی نیست.

۷- در زبان ادبی، چندصدایی و گفت و گو از تک‌صدایی و منطق خودمحوری قوی‌تر است. چندصدایی بودن خاص تفسیری از هنر است که خواننده یا شنونده را نیز وارد گفت و گو می‌کند و دریافت و تعبیر او را اصیل و ارجمند می‌شمارد اما منطق خودمحور، تفسیر ذهنی گوینده یا نویسنده را ملاک مفهوم یک اثر (شعر، داستان، ...) می‌داند.

۸- زبان هنجار، براساس فرایند خودکاری ساخته می‌شود؛ یعنی، کاربرد عناصر زبان برای بیان موضوعی و بدون جلب نظر کردن شیوه‌ی بیان اما زبان ادبی، براساس فرایند برجسته‌سازی پدید می‌آید. در برجسته‌سازی، کاربرد عناصر زبان به‌منظور جلب نظر کردن نامتعارف اهمیت دارد.

۹- زبان هنجار روی خط راست حرکت می‌کند و در آن از رفتارها و پرش‌های نامتعارف پرهیز می‌شود و پیش‌بینی‌پذیر است؛ مثال: «ترکیه یونان را به دخالت در امور جزایر مرزی دو کشور...» می‌توان حدس زد که این جمله با «متهم کردن» یا «محکوم کردن» پایان می‌پذیرد و نه جز آن ولی زبان ادبی روی خط راست حرکت نمی‌کند و در آن، رفتارها و پرش‌های نامتعارف زبانی صورت می‌گیرد؛ مثال: «برای گذشتن از این رود، رنگین‌کمانی باید بود.»

۱۰- زبان هنجار، نشانه‌های مشخص و ویژه‌ای دارد که نمی‌توانند به‌جای هم به‌کار روند اما زبان ادبی، زبانی است که در آن، نشانه‌ها می‌توانند به‌جای هم به‌کار روند. دروغ شاعرانه (که به قول نظامی اکذب اوست احسن او) از همین جا ناشی می‌شود. مجاز، استعاره، اغراق و... همه ابزارهای دروغ شاعرانه‌اند.

۱۱- زبان هنجار، قاعده‌مند است. از همین رو، نویسنده یا گوینده آزادی کم‌تری دارد. زبان ادبی، قاعده‌گریز است و آزادی آور. برخی هنر و آزادی را مصادیق یک مفهوم می‌دانند.

۱۲- از آن‌جا که زبان هنجار نظام مشخصی دارد، شنونده و خواننده در گفتار یا نوشتار، متوجه کلمه یا ساخت ویژه‌ای نمی‌شود که نظر او را جلب کند، حال آن‌که در زبان ادبی، گوینده یا نویسنده با خروج از دایره‌ی معنایی هنجار یا هنجارگریزی سبکی یا دیگر عوامل برجسته‌سازی، نظر شنونده یا خواننده را جلب می‌کند.

۱۳- زبان گفتار، زبان احتیاج و بی‌چهره است و در آن، لفظ به اعتبار دلالت بر معنی به کار می‌آید و بس اما زبان ادبی، زبانی است شخصی و چهره‌دار و آراسته و خودنما و جلوه‌فروش؛ یعنی، لفظ هم به اعتبار دلالت بر معنا و هم به اعتبار صورت و هیئت خاص خود اهمیت دارد.

۱۴- در زبان عادی و هنجار تصرف نمی‌کنند و در بند‌گزينش زیباترین واژه‌ها نیستند؛ گوینده‌ی عادی واژه‌های رایج را به کار می‌برد اما در زبان ادبی هم گزينش و هم چگونگی چينش واژه‌ها یک ضرورت هنری است.

۱۵- در زبان هنجار، الفاظ ابزار و وسیله‌ی معنا هستند و هدف چیز دیگری است اما در زبان ادبی، اگر هدفی هم باشد، درون واژه‌ها و در هم‌نشینی آن‌ها نهفته است.

۱۶- تعداد الفاظ زبان علمی و عادی محدود است ولی واژه‌های زبان ادبی محدودیتی ندارند. خلق کردن ترکیب‌ها و کلمه‌های بدیع جزئی از آفرینش هنری و ادبی است.

ویژگی‌هایی که برשמردیم، به دو نقش اصلی زبان - یعنی ایجاد ارتباط و زیبایی‌آفرینی - مربوط می‌شود. منظور از زبان هم، آن استعداد و کنش عام انسانی است که در همه جای جهان قابل مشاهده و بررسی است. اما هر زبان خاص - مثل فارسی، عربی، انگلیسی، ... - نقش‌های فرعی هم ایفا می‌کند که یکی از آن‌ها در جامعه‌شناسی زبان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نقش قوم‌مدارانه یا ملی نام دارد. علاوه بر این، از سه نقش دیگر نیز می‌توان نام برد که در کتاب‌های زبان‌شناسی مطرح نشده‌اند و عبارت‌اند از: نقش دینی، نقش فرهنگی و نقش ارتباط بین‌المللی.

اینک توضیح مختصر درباره‌ی هر یک:

۱- نقش قوم‌مداران: زبان در این نقش خود، هویت ملی و موجودیت قومی یک ملت را که در معارضه با اقوام و کشورهای دیگر قرار گرفته است یا در معرض تهدید و دستبرد قرار دارد، از راه وحدت زبانی حفظ می‌کند.^۱ شاهنامه‌ی فردوسی در تثبیت زبان فارسی چنین نقشی داشت.

۱- برای آگاهی از این نقش زبان، رجوع کنید به مقالات زبان‌شناسی، حسین وثوقی، مقاله‌ی نقش قوم‌مدارانه‌ی زبان، مبحثی در جامعه‌شناسی زبان، صص ۶۳-۵۷، انتشارات رهنما، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۲- نقش دینی: گاه یک زبان خاص بین اقوام مختلف، همدلی و وحدت ایجاد می کند؛ مثل زبان عربی که یگانگی و تعلق به دینی واحد را به مسلمانان القا می کند.

۳- نقش ادبی و فرهنگی: زبان فارسی در قرن های دهم تا دوازدهم در هند چنین نقشی داشت؛ یعنی، در دربار گورکانیان هند، شعر را به فارسی می سرودند و کتاب ها را به این زبان تألیف و ترجمه می کردند. بایران هند نه ایرانی بودند که از نقش قوم مدارانه ی زبان استفاده کنند و نه از فارسی به عنوان زبان ارتباط بین المللی بهره می بردند. آنان فقط فرهنگ و ادب را با زبان فارسی ارائه می دادند؛ بنابراین، می توان این کارکرد زبان فارسی را ایفای نقش ادبی و فرهنگی آن نامید.

۴- نقش ارتباط بین المللی: روزگاری زبان عربی در میان مسلمانان و زبان لاتین در اروپا، نقش زبان میانجی را برای ایجاد ارتباط گفتاری و علمی و فرهنگی بازی می کرد و کتاب ها به عربی یا لاتین نوشته می شد. امروز زبان انگلیسی در جهان چنین نقشی دارد و برای ارتباط با جهان پیشرفته ی صنعتی و علمی و فرهنگی چاره ای جز استفاده از این زبان نیست. مجموع چهار نقش یاد شده را می توان نقش های اجتماعی زبان نامید.

توضیحات متن

نقش دوم زبان «تکیه گاه اندیشه بودن» است. این سخن چه معنایی دارد؟ انسان وقتی در ذهن خود مشغول پرداختن یک نظریه ی علمی، فلسفی، هنری یا... است، از واژه ها و جمله ها استفاده می کند ولی این گونه استفاده از زبان، نمود آوایی ندارد و در واقع، او بی صدا می اندیشد. به قول افلاطون، انسان در هنگام تفکر با خودش حرف می زند. واتسون، از پیشروان مکتب رفتارگرایی در روان شناسی، این مطلب را به نحو دیگری بیان کرده است. به نظر او تفکر چیزی نیست جز نوعی سخن گفتن که به صورت حرکاتی خفیف در اندام های صوتی درآمده است. روی هم رفته، زبان تنها عامل و شرط مؤثر در فعالیت های عالی ذهن - همچون تفکر - نیست اما شاید مهم ترین عامل باشد. تفکر بدون استفاده از زبان ممکن است ولی این نوع تفکر بسیار ابتدایی و قدرت تجرید و انتزاع در آن بسیار ضعیف است.

پاسخ خودآزمایی‌ها

- ۱- انتقال پیام: فردا مدرسه تعطیل است.
- محمل اندیشه: روح یک پدیده‌ی الهی است و اثبات آن تنها به یاری وحی ممکن است.
- حدیث نفس: (خطاب به خود) باید امشب بروم.
- آفرینش ادبی: شکوفه‌ی دل با نسیم محبت، گریبان چاک می‌کند.
- ۲- ایجاد ارتباط: زیرا برقراری هرگونه مناسبات اجتماعی و انتقال اطلاعات و هم‌چنین همدلی و همراهی با دیگران در مسائل اجتماعی از طریق ارتباط کلامی صورت می‌گیرد.
- ۳- تکلیف دانش‌آموزی
- ۴-

صامت «گ» در واژه‌هایی نظیر: بچگی، افسردگی، بچگانه
صامت «ا = همزه»: رفته‌ام، نامه‌ای، خانه‌ات
صامت «ج»: سبزیجات، ترشیجات، طلاجات
صامت «ک»: نیاکان
صامت «و»: ابروان، آهوان، بانوان
صامت «د»: بدین (= به این)، بدان (= به آن)
صامت «ه»: بهش گفتم. (بِ - ش)

خودآزمایی و فعالیت‌های نمونه

- ۱- وقتی در تنهایی از مطلبی اظهار شادمانی می‌کنیم و سخنانی بر لب می‌آوریم، از کدام نقش زبان استفاده می‌کنیم؟
- ۲- نقش اصلی زبان چیست؟
- ۳- هدف از هر ارتباط زبانی چیست؟
- ۴- برای هر کدام از نقش‌های زبانی «حدیث نفس» و «آفرینش ادبی» نمونه‌ای بیاورید.
- ۵- در هریک از جمله‌های زیر، کدام یک از نقش‌های چهارگانه‌ی زبان دیده می‌شود؟
الف - ۲۹ اسفند سالروز ملی شدن نفت است.
ب - «من از طعم تصنیف در متن ادراک یک کوچه تنهاترم»، سهراب سپهری
پ - آیا زبان تنها شرط وجود فعالیت‌های عالی ذهن مانند تفکر، تخیل، تجرید، تعمیم، استدلال و قضاوت است؟
ت - آخ جان، امروز معلم نیامده است.

اسناد و نوشته‌های حقوقی

۱- اهداف

۱-۱- اهداف کلی

- آشنایی با اسناد و نوشته‌های حقوقی

۱-۲- اهداف جزئی: انتظار می‌رود در پایان این درس، دانش‌آموز بتواند:

- سند را تعریف کند.
- انواع اسناد را نام ببرد.
- اسناد رسمی و غیررسمی را از یکدیگر باز شناسد.
- چند نمونه از اسناد رسمی را نام ببرد.
- یک نمونه استشهادنامه، تعهدنامه و صورت‌جلسه را بنویسد.
- برای فرایند واجی «ابدال» مثال‌هایی ارائه کند.

۲- روش تدریس پیشنهادی

- پرسش و پاسخ

۳- مفاهیم و نکات اساسی درس

- سند نوشته‌ای است که از نظر حقوقی، در مقام دعوی یا دفاع قابل استفاده باشد.
- اسناد به دو نوع تجاری و غیرتجاری تقسیم می‌شوند.
- اسناد غیرتجاری خود دو نوع‌اند: ۱- اسناد رسمی و ۲- اسناد غیررسمی.
- همه‌ی اسناد تجاری رسمی‌اند.
- اگر اسناد غیرتجاری در ادارات ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا توسط مأموران رسمی تنظیم شده باشند، رسمی تلقی می‌شوند و جزء اسناد رسمی حقوقی به‌شمار می‌روند.
- متن اسناد رسمی قبلاً تهیه می‌شود.
- قول‌نامه نوشته‌ای است که امضاکنندگان آن، قول به انجام رساندن معامله‌ی را با سند رسمی به یک‌دیگر می‌دهند.
- وکالت‌نامه نوشته‌ای است که در آن شخصی انجام امور حقوقی خود را به دیگری واگذار می‌کند.
- استشهادنامه درخواست اطلاعات کتبی - همراه با امضا - از کسانی است که درباره‌ی یک موضوع یا حادثه آگاهی دارند.
- تعهدنامه، پیمان یا قراردادی است که بین دو نفر یا بیش‌تر منعقد می‌گردد و براساس آن، دو طرف انجام دادن کاری را عهده‌دار می‌شوند.
- تبدیل یک واج به واج دیگر، ابدال نام دارد.

۴- پاسخ خودآزمایی‌ها

- ۱- تکلیف دانش‌آموزی
- ۲- تکلیف دانش‌آموزی
- ۳- تکلیف دانش‌آموزی

مثال برای همکاران ارجمند: بهلش (او را رها کن) ← ولش کن (رهاش کن)
-۴

- روی آوردن به ادبیات داستانی معاصر از اوایل دوره‌ی مشروطه... آغاز شد. (ادبیات سال دوم)

متنم

- هر چه بیش‌تر در این باب دقیق شدم.

متنم

- تم هنگام بازگشت به کلبه و طی ساعات کار همواره برای دل‌جویی کردن از ضعفا و نومیدان و

متنم

متنم

تسلابخشیدن به آن‌ها وسیله‌ای می‌یافت.

متنم

- حساب اسفندیار از حساب گشتاسب جدا ست.

متنم

- گذشتن از سر آن همه دوستی‌ها آسان نیست.

متنم

۵- خودآزمایی‌ها و فعالیت‌های نمونه

۱- وقتی واژه‌ی «انبار» را «امبار» تلفظ می‌کنیم، کدام فرایند واجی انجام می‌گیرد؟

۲- استشهدنامه چیست؟

۳- برای ضمانت قول‌نامه معمولاً چه می‌کنند؟

۴- چگونه می‌توان اسناد غیررسمی را به اسناد رسمی تبدیل کرد؟

۵- هریک از واژه‌های زیر مشمول کدام فرایند واجی است؟

سیاست، یادداشت، دنبه، پیاده، بازآمد، قنناق، یگانه، سنبل.

ساختمان و اثره (۳)

۱- اهداف

۱-۱- اهداف کلی

– آشنایی با ساختمان واژه‌های مشتق – مرکب

۱-۲- اهداف جزئی: انتظار می‌رود در پایان این درس، دانش‌آموز بتواند:

– چگونگی ساختن واژه‌های مشتق – مرکب را بیان کند.

– واژه‌های مشتق – مرکب را به اجزای سازنده‌ی آن‌ها تجزیه کند.

– با استفاده از تکواژهای آزاد و وابسته، واژه‌ی مشتق – مرکب بسازد.

– اسم‌ها، صفت‌ها و قیده‌های مشتق – مرکب را که ساختمان یکسان دارند، از یک‌دیگر

بازشناسد.

– برای فرایند واجی «ادغام» چند مثال بیاورد.

۲- منابع

– مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره‌ی ۵۳، مقاله‌ی «میانوند در زبان فارسی»،

حسن علی ترقی اوغاز و مقاله‌ی «آیا در فارسی میانوند نداریم؟»، غلام‌رضا عمرانی

– مجله‌ی رشد آموزش زبان ادب فارسی، شماره‌ی ۵۷، مقاله‌ی «تأملی بر میانوند در زبان

فارسی»، یعقوب رحیمی‌داشلی برون

– دستور زبان فارسی (۲)؛ حسن انوری، حسن احمدی گیوی، ص ۲۹۹، «میانوند»

۳- روش‌های تدریس پیشنهادی

– الگوی پیش‌سازمان‌دهنده

– الگوی تفکر استقرایی

۴- مفاهیم و نکات اساسی درس

– بخش مهمی از واژه‌های مورد نیاز زبان فارسی از راه مشتق –
مرکب‌سازی تأمین می‌شود.
– مرز میان اسم و صفت در واژه‌های غیرساده گاهی مبهم است.
– واژه‌های مشتق – مرکب به دو شکل ساخته می‌شوند :
الف – افزودن وند به واژه‌ی مرکب
ب – افزودن تکواژ آزاد به واژه‌ی مشتق
– واژه‌های مشتق – مرکب را می‌توان طی سه مرحله به عناصر
سازنده‌ی آن‌ها تجزیه نمود.
– همسان شدن تلفظ یک واج با واج مشابه دیگر، «ادغام» نام
دارد.

«توضیحات متن»

نکات ضروری در مورد واژه‌های غیرساده :

۱- بعضی از واژه‌های غیرساده میان قید و صفت مشترک‌اند : ناخواسته، بی‌ادبانه، شجاعانه
صفت : اقدام ناخواسته‌ی او کار را مشکل کرد.

ناخواسته :

قید : او ناخواسته به این کار تن داد.

۲- مرز میان اسم و صفت در واژه‌های غیرساده گاهی مبهم است : زرگر، آموزگار.

کلماتی چون آموزگار، امروزه، به عنوان هسته‌ی گروه اسمی به کار می‌روند و اسم محسوب می‌شوند ولی گاهی نیز به عنوان وابسته‌ی پسین ظاهر می‌شوند و در مرز میان اسم و صفت در نوسان‌اند ؛ برای مثال، در ترکیب «مرد آموزگار»، آموزگار پسوند «تر» را – که نشانه‌ی صفت است – نمی‌پذیرد و نمی‌توان گفت : «این مرد آموزگارتر است.» (تزدیکی به اسم). از سوی دیگر، در همین ترکیب اگر آموزگار صفت نباشد، ناچار مضاف‌الیه و در نتیجه اسم خواهد بود ؛ در حالی که بین مرد

و آموزگار نمی‌توان وابسته‌ی پیشین «این» را افزود و گفت: «مرد این آموزگار» (تزدیکی به صفت). در شماره‌های ۵ و ۹ درس از الگوهایی سخن به میان آمده است که میانوند دارند ولی عنوان میانوند در این درس به کار نرفته است. زبان شناسان و دستورنویسان درباره‌ی وجود میانوند در زبان فارسی با هم اختلاف نظر دارند. همکاران ارجمند برای آگاهی از این اختلاف نظرها می‌توانند به مقاله‌های معرفی شده در قسمت منابع مراجعه نمایند.

برای ساختمان مشتق — مرکب‌ها علاوه بر موارد یادشده در متن کتاب، الگوهای زیر را نیز می‌توان نام برد.

- ۱- اسم + اسم + بن + پسوند ← اسم: آبگوشت خوری
- ۲- اسم + بن + پسوند + بن + پسوند ← اسم: آببندی کردن
- ۳- اسم + اسم + وند + بن + پسوند ← اسم: آب‌تنی کردن
- ۴- اسم + صفت / قید + بن + پسوند ← اسم: دل‌خوش کنک

پاسخ فعالیت (۱)

- الف — بن ماضی + وند + بن ماضی: زد و خورد، دید و بازدید، رفت و آمد
 ب — بن ماضی + وند + بن مضارع: گفت و گو، خرید و فروش، پخت و پز
 پ — بن مضارع + وند + بن مضارع: پرس و جو، گیرودار، خور و خواب

پاسخ فعالیت (۲)

اسم: من سراسر خیابان را گشتم. سراسر
 قید: این کار سراسر بیهوده بود.

اسم: سر تا پای او را برانداز کردم. سر تا پا
 قید: او سر تا پا خیس شده بود.

- دوشادوش — قید: آن‌ها دوشادوش زحمت می‌کشند.
 دست به دست — قید: او دست به دست بین مردم می‌گشت.
 تخت خواب — اسم: او تخت خواب خود را مرتب کرد.

قید : سینه‌ی او مالا مال از درد است.

مالا مال

صفت : سینه‌ی مالا مال از محبت مادر، معدن صفاست.

قید : او قدم به قدم سرش را برمی گرداند و نگاهی حسرت آمیز به زمین می دوخت.

قدم به قدم

صفت : تعقیب قدم به قدم او مرا نگران کرده بود.

قید : احمد شانه به سر وارد اتاق شد.

شانه به سر

اسم : شانه به سر پرنده‌ی کوچکی است.

صفت : زن شانه به سر خواهر کامبیز است.

قید : او دست به عصا راه می رود.

دست به عصا

صفت : انسان دست به عصا به جایی نمی رسد.

قید : مردم، رنگ به رنگ آن جا ایستاده بودند.

رنگ به رنگ

صفت : این تصویر رنگ به رنگ هزار نقش در خود نهفته دارد.

اسم : او از خجالت رنگ به رنگ شد.

مرگ و میر ← اسم : مرگ و میر ناشی از سرطان افزایش یافته است.

کشت و کشتار ← اسم : سربازان صرب کشت و کشتار عظیمی در بوسنی به راه انداختند.

آموزش و پرورش ← اسم : آموزش و پرورش از ارکان تمدن و حیات یک جامعه است.

اسم : مرد پیر به روبه‌رو چشم دوخته بود.

روبه‌رو

صفت : خانه‌ی روبه‌رو فعلاً خالی از سکنه است.

قید : او روبه‌روی ما نشسته بود.

اسم : اسیر در برابر پادشاه زانو زد.

برابر

قید : او برابر همین تلاش به شما مزد خواهد داد.

صفت : کار برابر در مقابل مزد برابر.

قلم به دست

قید : نویسنده‌ی ما قلم به دست به افق دور چشم دوخته بود.

صفت : مزدوران قلم به دست، حقایق را وارونه جلوه می‌دهند.

پاسخ فعالیت (۳)

اسم : ناهماهنگی، ناراحتی، بی‌نظمی، بی‌ادبی، هماوازی، کشتارگاه، ناشکری، دانشگاه، بی‌مسئولیتی، همکاری، ناشنوايي، ستایش‌گری، توان‌گری، نابینایی، همراهی.

صفت / قید : ناشکیبا، نسنجیده، ناخوانا

صفت : نایافتنی، نخواندنی

پاسخ خودآزمایی‌ها

۱-

واژه	تجزیه‌ی نخست	تجزیه‌ی دوم	تجزیه‌ی سوم
ناشکری	ناشکر + ی	نا + شکر	
کشتارگاه	کشتار + گاه	کشت + ار	
نامردمی	نا + مردمی	مردم + ی	
بی‌سروسامانی	بی‌سروسامان + ی	بی + سروسامان	سر + و + سامان
همدردی	هم‌درد + ی	هم + درد	
نسنجیده	ن + سنجیده	سنجید + ه	سنج + ید
هنرآموزی	هنرآموز + ی	هنر + آموز	
همکاری	هم‌کار + ی	هم + کار	
پرواربندی	پرواربند + ی	پروار + بند	
دل‌بستگی	دل‌بسته + گی	دل + بسته	بست + ه
ده‌تومانی	ده‌تومان + ی	ده + تومان	
دلدادگان	دل‌داده + گان	دل + داده	داد + ه
دانشجویان	دانشجو + یان	دانش + جو	دان + ـِ ش

۲-

ناشکری ← نا / شکر / ای / ← ان / ا / ش / ا / ک / ا / ر / ای /
کشتارگاه ← کشت / ار / گاه / ← اک / ا / ش / ات / ار / گ / ا / ه /
نامردمی ← نا / مردم / ای / ← ان / ا / م / ا / ر / د / ا / م / ای /
بی‌سروسامانی ← بی / سر / و / سامان / ای / ← اب / ای / س / ا / ر / و / ا / س / ا /
م / ا / ن / ای /
هم‌دردی ← هم / درد / ای / ← اه / ا / م / د / ا / ر / ا / د / ای /
۳- تکلیف دانش‌آموزی

خودآزمایی و فعالیت‌های نمونه

۱- واژه‌های «شش‌ماهه» و «مشتاقانه» را یک بار به‌عنوان صفت و یک بار به‌عنوان قید در جمله به‌کار ببرید.

۲- واژه‌های مرکب زیر را با افزودن (وند) به مشتق - مرکب تبدیل کنید.

کاردان، خوشایند، دست‌بوس، نوآموز، بدبخت، نمک‌پاش.

۳- پنج واژه‌ی مشتق یا مشتق - مرکب مثال بنزید که بیش از یک وند داشته باشد.

۴- ساختمان واژه‌های مشتق و مشتق - مرکب زیر را بنویسید.

ناخودآگاهی، پخت‌و‌پز، ستایش‌گری، دوشادوش، زبان‌نفهم، موشکافی، خردورزی، دوسالانه،

سر به هوا.

مثال: پخت‌و‌پز ← بن ماضی + وند + بن مضارع

۵- در هر قسمت چه فرایند واجی به‌کار رفته است؟

الف - مبل ایران ← مبلیران

ب - کیومرث ← کی‌یو‌مرث

ج - بخور ← بخور

د - یک‌گانه ← یگانه

دستور تاریخی

«ویژه‌ی رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی»

دستور تاریخی (۱)

۱- اهداف

۱-۱- اهداف کلی

– آشنایی با ویژگی‌های جمله در متون گذشته

۱-۲- اهداف جزئی: انتظار می‌رود در پایان این درس، دانش‌آموز بتواند:

– برخی از ویژگی‌های جمله را در متون نظم و نثر گذشته بیان کند.

– نمونه‌هایی از تکرار را در متون گذشته ارائه کند.

– نمونه‌هایی از عدم مطابقت نهاد و شناسه را در متون گذشته نشان دهد.

– جمله‌های فارسی معیار امروز را از نظر دستوری با جمله‌های متون کهن مقایسه کند.

۲- منابع

– تاریخ زبان فارسی؛ پرویز ناتل خانلری، جلد ۲ و ۳

– سبک شناسی؛ محمدتقی بهار

– سبک خراسانی در شعر فارسی؛ محمدجعفر محجوب

– دستور زبان فارسی (۲)؛ حسن انوری – حسن احمدی گیوی، بخش یازدهم «دستور تاریخی»

۳- روش تدریس پیشنهادی

– الگوی تفکر استقرایی

۴- مفاهیم و نکات اساسی

ویژگی‌های مهم جمله در متون گذشته عبارت‌اند از:

– تکرار در جمله رایج است و عیب شمرده نمی‌شود.

– معمولاً جمله‌ها کوتاه و کامل است.

– گاهی نهاد و شناسه با یک‌دیگر مطابقت ندارند.

– ترتیب اجزای جمله با امروز متفاوت است.

– جابه‌جایی ضمائر متصل تنوع فراوان دارد.

«درآمد»

زبان، امری ثابت و پایدار نیست بلکه امری است تحوّل پذیر و دگرگون شونده. مطالعه در تاریخ تطوّر زبان‌ها نشان می‌دهد که همه‌ی زبان‌های دنیا در گذشته و حال پیوسته در حال تحوّل بوده و هستند. لغات تازه‌ای وارد زبان می‌گردند و واژه‌هایی به دست فراموشی سپرده می‌شوند. تلفظ‌ها تحت تأثیر علل و عوامل گوناگون دگرگون می‌شوند و ساختمان جمله نیز پایه‌پای این تحوّل‌ات تغییر می‌یابد. زبان فارسی نیز که ما امروز بدان می‌خوانیم و می‌نویسیم و سخن می‌گوییم، از این دگرگونی برکنار نمانده است. این زبان که فارسی دری نامیده می‌شود، دنباله‌ی فارسی میانه و فارسی میانه، خود دنباله‌ی فارسی باستان است. فارسی دری نسبت به زبان‌های فارسی باستان و فارسی میانه چنان تغییر یافته که فهم آن دو، به تحصیلات خاصی نیاز دارد. فارسی دری نیز در طول حیات هزار و دویست ساله‌ی خویش، دست‌خوش تحوّل و تطوّر بوده است.

فهم زبان رودکی و فردوسی اگرچه برای فارسی‌زبانان امروزه چندان دشوار نیست اما بی‌آشنایی با پاره‌ای نکات دستوری، نمی‌توان زبان آنان را به‌خوبی دریافت. از آن‌جا که زبان در هر مرحله از تحوّل، ویژگی‌هایی دارد که با ویژگی‌های ادوار دیگر متفاوت است، برای هر دوره‌ی زبان می‌توان دستور زبان خاصی تدوین کرد.

مجموعه‌ی این دستورها، دستور تاریخی زبان نامیده می‌شود. دستور تاریخی به ما کمک می‌کند تا متون گذشته و کهن را خوب درک کنیم و با خصوصیات صرفی و نحوی آن‌ها آشنا شویم.

پاسخ خودآزمایی‌ها

۱-

- تقدیم مضافّ‌الیه : و ابودجانه را قاعده چنان بود : قاعده‌ی ابودجانه...
- کاربرد ساخت کهن ماضی استمراری : به جنگ رفتی، به سر بستنی، بدانستندی، خواستندی، رفتندی، ندیدندی، نماز کردندی.

– کوتاهی جملات و کامل بودن آن : شش جمله‌ی کوتاه

– کاربرد فعل پیشوندی : بر بستنی

۲-

جابه‌جایی صفت و موصوف : تنی هفتاد

تقدیم فعل : یافتم سوار شده، نباشد خصمان را بس خطری

تقديم مضافاً اليه : سالار هندوان را گوش
 تأخير نهاد : اگر بيند خداوند
 جابه جايي صفت و موصوف : اسبي دويست تازی
 تأخير متمم : به سر غوغا آن آنان دهد از اسپان قوی
 ۳-

دل آور	←	دلاور
صحراء	←	صحرا
علماء	←	علما
دست به دست	←	دس به دس
دسترنج	←	دس رنج

خودآزمایی و فعالیت‌های نمونه

۱- در متن زیر تکرار و کوتاهی جمله‌ها را مشخص کنید.

«ای عزیز، عمر را به نادانی به آخرمرسان. بیاموز و بیاموزان. کم‌گوی و کم‌خور و کم‌خفت باش. در سختی‌ها صبر پیشه گیر. بر شکسته و بر ریخته و برگزشته افسوس مخور. به آن چه در دست داری، شادمان مباش. در سخن صواب اندیش باش. بر اندک خود قانع مباش. اگر صلح بر مراد نرود، آماده‌ی جنگ باش.»

«مناجات‌نامه‌ی خواجه عبدالله انصاری»

۲- جابه‌جایی اجزای جمله را در متن زیر نشان دهید.

«و تاریخ‌ها دیده‌ام بسیار که پیش از من کرده‌اند، پادشاهان گذشته را خدمتگاران ایشان که اندر آن زیادت و نقصان کرده‌اند و بدان آرایش خواسته‌اند.»
 «تاریخ بیهقی»
 «یوسف او را با خویشتن آورد و او را گفت : دل مشغول مدار که من برادر توام، یوسف. چون بنیامین بدانست، از هوش بشد از شادی.»

«قصص قرآن، ابوبکر عتیق نیشابوری»

۳- عدم مطابقت نهاد و شناسه را در عبارت‌های زیر نشان دهید.

«شتربانان از پس دیوار کلیسا فرود آمدند و هیزم گرد کردند و آتش کردند. چون نیمه‌شب بود، بار برنهادند و برفت.»

«تاریخ بلعمی»

- «عمرو بن امیّه ایشان را پرسید که شما کیستی.» «تاریخ بلعمی»
 – آدم و حوا کجا بد آن زمان که خدا بنهاد این زه در کمان
 – بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

دستور تاریخی (۲)

۱- اهداف

۱-۱- اهداف کلی

- آشنایی با ویژگی‌های زمان فعل‌ها در متون گذشته
- ۱-۲- اهداف جزئی: انتظار می‌رود در پایان این درس، دانش‌آموز بتواند:
 - ساختمان‌های مختلف ماضی استمراری را در متون گذشته از هم باز شناسد.
 - ماضی نقلی را به شیوه‌ی گذشته صرف کند.
 - ساختمان فعل آینده را در زبان امروز و گذشته با هم مقایسه کند.
 - ساختمان‌های مختلف فعل مضارع اخباری را از فعل‌های دیگر تشخیص دهد.
 - تفاوت ساختمان فعل‌های امر و نهی را در گذشته و امروز بیان کند.
 - از متون گذشته مثال‌هایی برای فعل دعایی بیابد.

۲- منابع

- رجوع شود به منابع دستور تاریخی (۱)

۳- روش تدریس پیشنهادی

- الگوی تفکر استقرایی

۴- مفاهیم و نکات اساسی درس

در گذشته :

- برای ساختن ماضی استمراری به جای «می» از «همی» در اول و «ی» در آخر فعل استفاده می کردند.
- در ساختمان فعل ماضی «است» به عنوان فعل کمکی به کار می رفت.
- در فعل آینده گاهی از مصدر کامل استفاده می شد.
- در فعل امر به جای پیشوند «ب» پیشوند «می» را به کار می بردند.
- ساخت خاصی از فعل، به فعل دعایی معروف است.

پاسخ خود آزمایی ها

۱-

گفتندی	←	می گفتند
همی خواست	←	می خواست
شنیدستم	←	شنیده ام
بدیدمی	←	می دیدم
می نویس	←	بنویس
می بنوشت	←	می نوشت

۲-

مرساد	←	نرسد
گرداناد	←	گرداند
کناد	←	کند
گماراد	←	گماراد

۳-

گذشته شده است	←	در گذشته است
---------------	---	--------------

می‌باید رفت	←	باید بروم
در تاریخی که می‌کنم	←	در تاریخی که می‌نویسم
خشم گرفتی	←	خشم می‌گرفت
می‌جنبایند	←	می‌جنبایند
احتمال نکنند	←	تحمّل نمی‌کنند
می‌شنودم	←	می‌شنیدم
خلعت مصریان است	←	خلعت مصریان را گرفت
پیغام بگزاردم	←	پیغام رساندم
در آن خلوت چه رفت؟	←	چه روی داد؟
حسنک پیدا آمد	←	حسنک پیدا شد
خلیفه را چندگونه صورت کردند	←	روایت و گزارش کردند

۴- تکلیف دانش‌آموزی

۵- رجوع شود به درس ۲۵، تمرین چهارم

فعالیت و خودآزمایی‌های نمونه

۱- در بیت‌های زیر زمان فعل‌های مشخص شده را بنویسید و معادل امروزی آن‌ها را بیان کنید.

هر که <u>بنگریزد</u> و شوخی کند	مستحقّ هر بدی و هر بلاست
دو نفر از مرد دون کسی <u>بمدان</u>	گرچه دارند هر کسش تعظیم
مر او را به رامش همی داشتند	به زندانش تنها <u>بنگذاشتند</u>
بالب دمساز خود گر جفتمی	همچو نی من <u>گفتنی</u> ها <u>گفتمی</u>
بوی جوی مولیان <u>آید</u> همی	یاد یار مهربان <u>آید</u> همی
آن شنیدستی که در صحرای غور	بارسالاری بیفتاد از ستور
به <u>آمزش رساد</u> آن آشنایی	که چون این جا رسد گوید دعایی

و افزونی دادستیم شان بر بسیاری از آن‌چه بیافریدستیم.

دستور تاریخی (۳)

۱- اهداف

۱-۱- اهداف کلی

- آشنایی با ویژگی‌های گذر و معلوم - مجهول فعل در متون گذشته
- ۱-۲- اهداف جزئی: انتظار می‌رود در پایان این درس، دانش‌آموز بتواند:
 - تفاوت ویژگی «گذر» را در گذشته و امروز بیان کند و برای آن‌ها مثال بیاورد.
 - صورت‌های دیگر فعل کمکی را در فعل‌های مجهول بیان کند.
 - وابسته‌های گروه اسمی را در متون امروزی و گذشته با هم مقایسه کند.

۲- منابع

- رجوع شود به منابع دستور تاریخی (۱)

۳- روش تدریس پیشنهادی

- الگوی تفکر استقرایی

۴- مفاهیم و نکات اساسی درس

در گذشته :

- برخی از فعل‌های گذرا به صورت ناگذر کار می‌رفتند و برعکس.
- فعل «شدن» به معنای «رفتن» و «گذشتن» کاربرد فراوانی داشته است.
- برای ساختن فعل مجهول، علاوه بر فعل کمکی «شدن» از فعل‌های کمکی «آمدن» و «گشتن» نیز استفاده می‌کردند.
- گاهی وابسته‌های پیشین، پس از هسته و وابسته‌های پسین، پیش از هسته قرار می‌گرفتند.

پاسخ خودآزمایی‌ها

- ۱- معادل امروزی جمله‌های زیر را بنویسید.
 - آن حال که همی طلب کرد. ← آن حالتی که می‌خواست.
 - مرا رشک وی می‌رنجه داشت. ← حسادت وی مرا ناراحت می‌کرد.
 - ابراهیم ینال برادر کهن سلطان طغرل بود. ← ابراهیم ینال کوچک‌ترین برادر طغرل بود.
 - همی یک باری از جای بجست. ← ناگهان از جا پرید.
 - دیگر بار شیخ حدیث دستار کرد. ← بار دیگر شیخ در باره‌ی عمامه صحبت کرد.
 - اما حدود سیستان و شهرهای او که چند است از کجا تا کجاست ← مرزهای سیستان از کجا تا کجاست و چند شهر دارد.
 - اگر پنداری که به خواب اندر است، چون بخوانی پاسخ همی دهد. ← اگر خیال می‌کنی خوابیده است، وقتی صدایش بزنی، جواب می‌دهد.
 - به پهلوی او بر، ستارگی است خرد، نام او سُها ← در کنار آن ستاره، ستاره‌ای کوچک به نام سها قرار دارد.
- ۲- تکلیف دانش‌آموزی
- ۳- اگر دو جمله‌ی خودآزمایی به صورت خبری خوانده شوند، آهنگ افتان دارند و اگر به صورت پرسشی خوانده شوند، آهنگ خیزان خواهند داشت.

فعالیت‌ها و خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- فعل‌های مشخص شده در ابیات و عبارات‌های زیر گذرا هستند یا ناگذر؟ درباره‌ی تفاوت کاربرد آن‌ها در گذشته و امروز گفت و گو کنید.
 - این چرا گفتم، چرا دادم پیام سوختم بیچاره را زین گفتِ خام
 - باران که در لطافتِ طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره بوم خس
 - امیر آواز داد که امیرالمؤمنین را چون ماندی.
 - عنان برگرایید و بر گاشت اسب
 - پسر تیر و کمان را بسوخت.
- ۲- درباره‌ی کاربرد و تفاوت معنایی فعل‌های مشخص شده در نمونه‌های زیر گفت و گو کنید.
 - بهتر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران

- مر این را تربیتی می‌کن.
- گفته آمد که به دلجویی ما می‌آیی
- همه پس یک‌دیگر خواهیم شد.
- رسول خدای به بازار شد و پیراهنی خرید به چهار درم.
- اگر نیم‌نانی بخوردی و بخفتی، بسیار از این فاضل‌تر بودی.
- ۳- در نمونه‌های زیر تفاوت کاربرد وابسته‌های گروه اسمی را در گذشته و امروز نشان دهید.

یک دهان خواهیم به پهنای فلک	تا بگویم وصف آن رشک ملک
روز کی چند باش تا بخورد	خاک، مغز سر خیال‌اندیش
چو آدمی به یکی مار شد برون ز بهشت	میان کژدم و ماران تو را امان ز کجا؟
یکی دختری داشت خاقان چو ماه!	کجا ماه دارد دو زلف سیاه؟
بهین کاری است نام و ننگ جستن	دهان مردم بیگانه بستن

- روز سه دیگر گاو را دید، چرا می‌کرد.

(قصص قرآن، ابوبکر عتیق نیشابوری)

- دیگر روز مادرش گفت: امروز ببر به شش دینار بده.

(قصص قرآن، ابوبکر عتیق نیشابوری)

دستور تاریخی (۴)

۱- اهداف

۱-۱- اهداف کلی

– آشنایی با کاربرد تاریخی نقش نماها

۱-۲- اهداف جزئی: انتظار می‌رود در پایان این درس، دانش‌آموز بتواند:

– برای هریک از انواع «را» مثالی ارائه کند.

– تفاوت کاربرد حروف اضافه را در گذشته و امروز بیان کند.

– انواع حذف را در متون گذشته نشان دهد.

– تغییر معنای فعل را در بافت‌های گوناگون تشخیص دهد.

۲- منابع

– رجوع شود به منابع دستور تاریخی (۱)

۳- روش تدریس پیشنهادی

– الگوی تفکر استقرایی

۴- مفاهیم و نکات اساسی درس

در گذشته:

– «یا» و «ا» نشانه‌های ندا بوده است.

– «را» گاهی حرف اضافه، نشانه‌ی فک اضافه، نشانه‌ی مالکیت و

نشانه‌ی قید بوده است.

– متمم را با دو حرف اضافه – پیش و پس از اسم – به کار-

می‌برده‌اند.

– تمام یا بخشی از جمله به قرینه حذف می‌شده است.

– معنای فعل در بافت‌های گوناگون تغییر می‌کرده است.

پاسخ خودآزمایی‌ها

۱- ویژگی‌های دستوری :

الف - کوتاهی جمله‌ها

مثال : ما از قومی از اهل جاهلیت بودیم و بتان را می‌پرستیدیم و مردار همی خوردیم تا خدای

بر ما رحمت کرد.

ب - استفاده از شکل‌های قدیمی و تاریخی فعل. مثال : همی خوردیم، ترک بکردیم

پ - تکرار، خصوصاً در ضمیر «ما»

ت - کاربرد «را» به جای «به» : احکام شریعت ما را می‌آموخت.

ث - کاربرد «به» به جای «برای» : او را به رسالت به ما فرستاد.

ج - جابه‌جایی اجزای جمله : از پرستیدن بتان ما را منع کرد.

چ - به کار بردن مفعول به صورت مضاف‌الیه : ما تصدیق وی نمودیم.

ح - شکل جمع به شیوه‌ی قدیم : بتان

۲- مرا^۱ دیگر روز نوبت بود. به دیوان آمدم. استادم به باغ^۲ رفت و بوالحسن دلشاد را فرمود^۵

تا آن جا آمد و بونصر و تنی چند دیگر و نماز^۷ شام را^۶ باز آمد.

یافتیم امیر را آن جا فرود آمده و اعیان همی آمدند. گمان افتاد که مگر این جا ثبات خواهد کرد

و لشکر را ضبط کرد و آن را می‌ماندند تا کسانی از اعیان که رسیدنی‌اند، در رسند و آفتاب^{۱۱} زرد را،

امیر^{۱۲} به آب روان رسید.

دیگران درآمدند و اسب و سلاح بستند و مردان را دل بشکست. گفتند : «زندگانی^{۱۵} خداوند

دراز باد ؛ بیش ایستادن را روی^{۱۶} نیست.» و این حاجب را از غم زهره بترقید.

نقش نماها به ترتیب شماره‌های مشخص شده،

نقش نمای اضافه : شماره‌های ۱، ۴، ۶، ۱۳، ۱۵، (شماره‌ی ۱۴ و ۱۶ فک اضافه است)

نقش نمای متممی : شماره‌های ۲، ۳، ۵، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸

نقش نمای مفعولی : شماره‌های ۸، ۹

معنای را :

مرا... نوبت ← فک اضافه

دلشاد را ← حرف اضافه‌ی «به»

نماز شام را ← حرف اضافه‌ی «برای»

امیر را	←	نشانه‌ی مفعول
لشکر را	←	نشانه‌ی مفعول
آن را	←	حرف اضافه‌ی «برای»
آفتاب زرد را	←	حرف اضافه‌ی «در»
مردان را دل	←	فکّ اضافه
ایستادن را روی	←	فکّ اضافه
حاجب را... زهره	←	فکّ اضافه

۳- تکلیف دانش‌آموزی

۴- الف - او را پختم (آماده کردم)
 ب - از گرما پختم (داغ شدم)
 پ - خرما بر نخل پخت (رسید)
 ت - چه خیال‌ها در سر می‌پخت (می‌پرورد)
 ث - در کوره‌ی حوادث پخته شد (با تجربه شد)
 ج - غذا را پخت (معنی پرکاربرد فعل)

خودآزمایی‌ها و فعالیت‌های نمونه

۱- ویژگی‌های دستوری (کوتاهی جمله‌ها، عدم مطابقت نهاد و شناسه - تکرار و...) متن زیر را نشان دهید.

«پس به وی آمد یکی از آن دو دختر، نامش صفورا. همی‌رفت با شرمی، دست به روی باز نهاده. گفت: پدر من تو را می‌خواند تا مزد تو بدهد و عذر تو بخواهد. آن بود که دختران شعیب آن روز زودتر به خانه شدند. پدر ایشان آن گوسفندان بپسود، پهلوهای ایشان بیرون خاسته بود از سیرابی. گفت: امروز زودتر آمدید و گوسپندان سیراب‌تر است! گفتند: جوانی پدید آمد و به تنهایی خویش آب برکشید ما را».

(قصص قرآن، ابوبکر عتیق نیشابوری)

۲- موارد حذف را در نمونه‌های زیر بیابید.

- یکی را گفتند: عالم بی عمل به چه ماند؟ گفت: به زنبور بی عسل.

- مطیع با عجب، عاصی است و عاصی با عذر، مطیع.

- همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال.

- عاقلی را پرسیدند: نیک بخت کیست و بدبختی چیست؟ گفت: نیک بخت آن که خورد و

کِشت و بدبخت آن که مُرد و هِشت.

کتاب‌شناسی

الف - زبان‌شناسی

۱- نگاهی تازه به معنی‌شناسی، فرانک ر. پالمر، ترجمه‌ی کوروش صفوی، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۶.

هشت بخش کتاب به معنی‌شناسی، بافت، روابط معنایی، مؤلفه‌های معنایی، هم‌نشینی، معنی و جمله و معنی‌شناسی و دستور و... می‌پردازد. کتاب بسیار مفیدی است و اغلب کتاب‌های زبان‌شناسی موجود در زبان فارسی، از اصل یا ترجمه‌ی آن بهره گرفته‌اند.

۲- درباره‌ی زبان (مجموعه‌ی مقالات) محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
مقالات ششگانه‌ی آن عبارت‌اند از:

الف - زبان در خدمت باطل - استفاده‌ی سیاست از زبان برای فریب مردم یا دگرگون جلوه دادن حقایق، یا مخفی کردن مقاصد درونی (دروغ‌گویی).

ب - هم‌زبان شدن با شمپانزه - شرح کوشش دانشمندان برای زبان‌آموزی به حیوانات.

ج - پدیده‌ی زبان از دو دیدگاه - زبان فطری است یا اکتسابی؟ رفتارگرایان آن را اکتسابی می‌دانند و چامسکی بر فطری بودن آن تأکید دارد.

(صورت مفصل‌تر این مقاله در کتاب: مسائل نوین زبان‌شناسی از همین مؤلف آمده است.)

د - تفاوت‌های فردی در زبان و علل آن‌ها: بحثی است در روان‌شناسی زبان و توضیح مهارت‌های زبانی (گوش دادن و خواندن = جنبه‌های منفعل و پذیرای زبان) گفتن و نوشتن (= جنبه‌های فعال) و رابطه‌ی محیط و وراثت با زبان.

ه - نابه‌سامانی‌های زبانی - پرداختن به علل زبان‌پریشی‌های کودکان و تأثیر ناشنوایی و کم‌شنوایی در زبان.

و - کلمات تیره و شفاف - بحثی در معناشناسی: چرا معنای برخی واژه‌ها بی‌هیچ توضیحی برای اهل زبان آشکار است و بعضی نه؟ واژه‌های قرضی و دخیل و ساخت‌های کهن تیره‌اند و دشوار.

۳- زبان و تفکر، محمدرضا باطنی، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.
این کتاب شانزده مقاله دارد:

- زبان‌شناسی نوین - زبان و زبان‌شناسی - پیشنهادهایی درباره‌ی تقویت و گسترش زبان فارسی - رابطه‌ی خط و زبان - پدیده‌های قرضی در زبان - زبان به‌عنوان دستگاهی از علائم (ویژگی‌های زبان: قراردادی بودن، نابه‌جایی، تجرید، طبقه‌بندی منظم مفاهیم، استدلال، استفاده از تجارب گذشتگان)

– روان‌شناسی زبان (شکل مفصل‌تر مقاله در کتاب: پیرامون زبان و زبان‌شناسی آمده است.) رابطه‌ی زبان و تفکر – یادگیری و رشد زبان در کودک – زبان‌شناسی و تدریس زبان‌های خارجی – مقایسه‌ی بعضی از خصوصیات ساختمانی زبان فارسی و انگلیسی – مقایسه‌ی اجمالی دستگاه صوتی فارسی و انگلیسی – نسبت در زبان – رادیو و تلویزیون، دو قیم زبان فارسی – آموزش زبان خارجه در سطح دانشگاه – هم‌معنایی و چندمعنایی در واژه‌های فارسی.

۴– پیرامون زبان و زبان‌شناسی (مجموعه‌ی مقالات) محمدرضا باطنی، نشر فرهنگ معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۱.

مؤلف در هفت مقاله‌ی کتاب به تعریف زبان و ویژگی‌های آن، رابطه‌ی زبان با فلسفه و منطق و کامپیوتر و عصب‌شناسی و سبک‌شناسی می‌پردازد. نویسنده در مقاله‌ی «فارسی، زبانی عقیم؟» راه فعال کردن زبان را نشان می‌دهد که همانا استفاده از ترکیب و اشتقاق است.

در مقاله‌ی «جمله، واحد ترجمه» انواع ترجمه: کلمه به کلمه (تحت اللفظی) – جمله به جمله (عادی) – پاراگراف به پاراگراف (آزاد) توضیح داده می‌شود و نوع عادی را بهترین می‌داند.

در روان‌شناسی زبان، رابطه‌ی تفکر و زبان، تفاوت‌های فردی، حافظه و زبان، دو زبانگی و چندزبانگی و آسیب‌شناسی زبان بیان می‌گردد.

مقاله‌ی «اهمیت استنباط در درک زبان» به خلأهای ارتباطی در جمله‌های زبان می‌پردازد. در «ادراک گفتار» کوچک‌ترین واحد ادراک را هجا می‌داند نه آواها. مقاله‌ی واپسین، مقایسه‌ی مقولات اسم در زبان فارسی و انگلیسی است.

۵– مسائل زبان‌شناسی نوین (ده مقاله)؛ محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

۵/۱ – هم‌بستگی زبان و اجتماع

۵/۶ – زبان و نظریه‌ی ارتباط

۵/۲ – نگاهی تازه به یادگیری زبان

۵/۷ – اصطلاحات خوشاوندی در زبان فارسی

۵/۳ – مهارت در خواندن

۵/۸ – اسم عام و اسم خاص

۵/۴ – چند نکته درباره‌ی آموزش فارسی به خارجی‌ان مبتدی

۵/۵ – ترجمه‌ی ماشینی

۵/۹ – استعمال «باید» در فارسی امروز

۵/۱۰ – زبان به‌عنوان یک رفتار اجتماعی

۶– چهار گفتار درباره‌ی زبان؛ محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.

۶/۱ – زبان: ثمره‌ی تکامل بشر

۶/۲ – جامعه‌شناسی زبان (شکل دیگر این مقاله با عنوان: «هم‌بستگی زبان و اجتماع» در

کتاب زبان‌شناسی نوین از همین مؤلف آمده است.)

۶/۳ - تحلیل معنایی چند واژه‌ی محاوره‌ای : که - دیگه - آخه - ها
۶/۴ - مقایسه‌ی مقولات اسم در زبان فارسی و انگلیسی - به مفرد و جمع، خاص و عام،
معرفه و نکره و... در دو زبان اشاره می‌شود.

۷ - نگاهی به زبان (یک بررسی زبان‌شناختی)؛ جورج یول، ترجمه‌ی: نسرين حيدري، انتشارات
سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

در فصل‌های بیست‌گانه‌ی کتاب، این مباحث مورد مطالعه قرار گرفته است :

پیدایش زبان - تکامل خط - خصوصیات زبان (جابه‌جایی، قراردادی بودن، باروری، انتقال
فرهنگی، گسستگی یا تمایز واجی، تجزیه‌ی دوگانه = دوگانگی) - زبان حیوانات و زبان انسان -
آواهای زبان - الگوهای آوایی زبان - واژه‌ها و فرایندهای واژه‌سازی - واژه‌شناسی - دستور - نحو
(نظر چامسکی) - معناشناسی و کاربردشناسی (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی، هماوایی،
همنامی، چند معنایی) - بافت، تجزیه و تحلیل کلام - زبان و ماشین‌ها - زبان و مغز - فراگیری زبان
اول - یادگیری زبان دوم - زبان اشاره‌ای - تاریخ و دگرگونی زبان - گونه‌های زبانی (زبان معیار -
لهجه - گویش) - زبان، جامعه و فرهنگ (گویش‌های اجتماعی، تحصیلات، شغل، طبقات اجتماعی،
جنس، سابقه‌ی نژادی، سبک سخن).

جنبه‌ی آموزشی کتاب مفید است ولی مترجم برای آوردن مثال‌های فارسی تلاش نکرده است.
(این کتاب یک ترجمه‌ی دیگر هم دارد : نگاهی به زبان؛ جورج یول، ترجمه‌ی اسماعیل جاویدان و
حسین وثوقی، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۳).

۸ - زبان‌شناسی جدید؛ مانفرد بی‌پرویش، ترجمه‌ی محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، چاپ
چهارم، ۱۳۷۴.

این کتاب دوازده فصل دارد :

۸-۱ - مقدمه - توضیح ضرورت تدوین نظریات زبان‌شناختی

۸-۲ - زبان‌شناسی تطبیقی و نودستوریان

۸-۳ - فردینان سوسور، تمایز بین گفتار، نطق، قراردادی بودن دال و مدلول، روابط جانشینی

و هم‌نشینی

۸-۴ - واج‌شناسی پراگ - واج و مشخصه‌های آن و تقابل آن با دیگر واج‌ها، ساخت واج -
واژی. در فصول بعد، درباره‌ی مکتب گُپنهاگ و حوزه‌ی معنی و مشخصه‌های معنایی و زبان‌شناسی
امریکایی و توزیع تکمیلی و کشف روال‌های جمله و دستور زایشی و چامسکی و کنش زبانی و...
توضیحاتی آورده می‌شود.

۹- چامسکی؛ جان لاینز، ترجمه‌ی احمد سمیعی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۱۰- ساخت‌های نحوی؛ نوام چامسکی، ترجمه‌ی احمد سمیعی، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۱۱- زبان شناسی نوین (نتایج انقلاب چامسکی)؛ نیل اسمیت - دیژدری ویلسون، ترجمه‌ی ابوالقاسم سهیلی، علی اشرف صادقی، علی صلح‌جو، مجدالدین کیوانی، یحیی مدرّسی، رضا نیلی‌پور، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۲- تاریخ مختصر زبان‌شناسی؛ آر. اچ. روبینز، ترجمه‌ی علی محمد حق‌شناس، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۱۳- زبان و زبان‌شناسی؛ رابرت ا. هال - ترجمه‌ی: محمدرضا باطنی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

از جامع‌ترین ترجمه‌ها به زبان فارسی است و مطالب مفید بسیار دارد.

۱۴- زبان و ذهن؛ نوام چامسکی، ترجمه‌ی کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۱۵- زبان‌شناسی همگانی؛ جین اچسون، ترجمه‌ی حسین وثوقی، انتشارات علوی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۱۶- دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی؛ فردینان دوسوسور، ترجمه‌ی کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۷- مبانی زبان؛ رابرت لارنس ترسک، ترجمه‌ی علی فامیان، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۸- جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی؛ فردریک نیومایر، ترجمه‌ی اسماعیل فقیه، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

کتاب‌های شماره‌ی ۷ تا ۱۵ ترجمه‌اند. برخی از آن‌ها مثل شماره‌ی ۱۱ - مطلقاً برای فارسی زبان‌ها و حتی متخصصان این زبان مفید نیست؛ زیرا همه‌ی مطالب و مثال‌ها مربوط به زبان انگلیسی است و فهم آن‌ها تسلط کامل بر زبان یاد شده را الزام می‌کند و البته کسی که چنین تسلطی داشته باشد، به اصل کتاب مراجعه می‌کند.

بقیه هم برای علاقه‌مندان به زبان‌شناسی - مثلاً دبیران ادبیات فارسی - چندان فایده‌ای ندارد. به گفته‌ی دکتر علی محمد حق‌شناس:

«کار ترجمه گرچه در حوزه‌ی هر دانش دیگری می‌تواند سودمند باشد، در حوزه‌ی زبان‌شناسی غالباً چندان سودمند نیست یا برای همه‌ی مردم سودمند نیست. سود ترجمه در این حوزه‌ی به‌خصوص،

تنها عاید خود زبان‌شناسان و کسانی می‌شود که سرگرم آموزش زبان‌شناسی در سطح تخصصی‌اند.» (مقالات زبان‌شناختی، ص ۳۳۰).

به دلیل فوق به همکاران ارجمند توصیه می‌شود که در صورت تمایل به مطالعه‌ی کتاب‌های تألیفی در زمینه‌ی زبان‌شناسی بپردازند. آثار ارزنده‌ی دکتر محمدرضا باطنی - که قبلاً معرفی شد - از جمله‌ی این کتاب‌هاست.

۱۹- مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی؛ ابوالحسن نجفی، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

در این کتاب مهم‌ترین مباحث زبان‌شناسی با نثری ساده و شیوا توضیح داده شده و مثال‌ها و شواهد از نثر معیار امروزی انتخاب گردیده است.

۲۰- مقدمات زبان‌شناسی؛ مه‌ری باقری، دانشگاه تبریز، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

تلخیص و تدوین مباحث زبان‌شناسی و سیر تاریخی آن، مزیت عمده‌ی کتاب است. نویسنده‌ی کتاب تقریباً از همه‌ی منابع موجود به زبان فارسی بهره گرفته است.

۲۱- سیر زبان‌شناسی؛ مهدی مشکوة‌الدینی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

فواید این کتاب بسیار است.

۲۲- زبان‌شناخت؛ سیما وزیرنیا، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۷۹.

این کتاب با آن‌که مطلب تازه‌ای ندارد و تلفیقی از کتاب‌های موجود زبان‌شناسی در زبان فارسی است، مواد آموزشی فراوان دارد.

در زمینه‌ی آواشناسی چند کتاب به فارسی موجود است که دو نمونه از آن‌ها معرفی می‌شوند:

۲۳- آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)؛ یدالله ثمره، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.

این کتاب بسیار مفید ولی تخصصی است و کامل‌ترین کتاب درباره‌ی آواشناسی زبان فارسی محسوب می‌شود.

۲۴- آواشناسی (فونتیک)؛ علی محمد حق‌شناس، انتشارات آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

کتاب ساده‌تری درباره‌ی آواشناسی زبان فارسی است که مبحث واحدهای زبرنجیری^۱ را نیز مطرح نموده است.

۱- درباره‌ی واحدهای زبرنجیری کتاب مستقلی هست با نام: نوای گفتار در فارسی (تکیه، آهنگ، مکث) از تقی وحیدیان کامیار، انتشارات دانشگاه جندی‌شاپور، چاپ اول، ۱۳۵۷.

- ۲۵- مقالات زبان‌شناختی؛ حسین وثوقی، انتشارات رهنما، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- مباحث آن شامل زبان‌شناسی و دستور و واج‌آرایی در شعر خواجه و مقایسه‌ی دستورهای سنتی با دستورهای نوین و جامعه‌شناسی زبان و... است. در باره‌ی زبان‌شناسی تاریخی (در زمانی) هم کتاب‌های مفید بسیار است که از جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود:
- تاریخ زبان فارسی؛ اثر پرویز ناتل خانلری، تکوین زبان فارسی از علی اشرف صادقی، مسائل تاریخی زبان فارسی از علی اشرف صادقی، زبان‌شناسی و زبان فارسی اثر پرویز ناتل خانلری، تاریخ زبان فارسی از محسن ابوالقاسمی.
- درباره‌ی رابطه‌ی زبان‌شناسی و ادبیات نیز کتاب‌های زیر را می‌توان نام برد:
- ۲۶- مقالات ادبی؛ زبان‌شناختی، علی محمد حق‌شناس، انتشارات نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۲۷- گفتارهایی در زبان‌شناسی؛ کوروش صفوی، انتشارات هرمس، ۱۳۸۰.
- ۲۸- زبان‌شناسی و ادبیات (تاریخچه‌ی چند اصطلاح)؛ ترجمه‌ی کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۷۷.

ب - دستور

- ۱- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی؛ محمدرضا باطنی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- منسجم‌ترین و آگاهانه‌ترین دستور زبان فارسی بر مبنای زبان‌شناسی است.
- ۲- نگاهی تازه به دستور زبان؛ محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
- در چهار فصل کتاب، تاریخ دستورنویسی در غرب و ایران، معایب دستورهای سنتی، دستور ساختاری و دستور زایشی - گشتاری توضیح داده شده است.
- ۳- دستور زبان فارسی (بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری)؛ مهدی مشکوة‌الدینی، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- ۴- دستور زبان فارسی (۲)؛ مؤلفان: حسن انوری - حسن احمدی گیوی، انتشارات فاطمی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- این کتاب با آن که بر مبنای نظریه‌های زبان‌شناسی نوشته نشده است ولی نزدیک‌ترین دستور سنتی به دستورهای نوین است و مواد قابل استفاده‌ی فراوان دارد.
- ۵- دستور کاربردی زبان فارسی؛ مهرانگیز نوبهار، انتشارات رهنما، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- برخلاف اصطلاح «کاربردی» در روی جلد، مطالب کتاب بیش‌تر رنگ و بوی سنتی دارد.

مثال‌ها بیش‌تر از شعر انتخاب شده و کسکولی از مباحث سنتی و برخی آموزش‌های زبان‌شناسی است. با این همه، بعضی فواید از آن حاصل می‌شود.

۶- دستور زبان فارسی؛ پرویز ناتل خانلری، انتشارات توس، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۰.

بعد از کتاب توصیف ساختمان دستوری، بهترین دستور فارسی است که هم بر مبنای زبان‌شناسی نوشته شده و هم سنت‌های مفید دستورهای گذشته را حفظ کرده است. شیوه‌ی نگارش آن علمی و طبقه‌بندی شده و در عین حال بسیار ساده است. درج نکات عمده‌ی هر درس در آغاز آن، مزیت آموزشی کتاب بر کتاب‌های مشابه است.

۷- حرف‌های تازه در ادب فارسی؛ تقی وحیدیان کامیار، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۰.

۸- آموزش زبان فارسی؛ مهدی مشکوة‌الدینی، اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، ۱۳۷۷.

پ - منابع دستور زبان تاریخی

۱- تاریخ زبان فارسی؛ پرویز ناتل خانلری، انتشارات سیمرخ، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۲- سبک خراسانی در شعر فارسی؛ محمدجعفر محجوب، انتشارات فردوس - جامی، چاپ اول، بی‌تا.

۳- سبک‌شناسی؛ محمدتقی بهار، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۰.

ت - املا و ویرایش

۱- دستور خط فارسی؛ انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۲- درآمدی بر چگونگی شیوه‌ی خط فارسی؛ میر شمس‌الدین ادیب سلطانی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۳- شیوه‌ی آموزش املا‌ی فارسی و نگارش؛ احمد احمدی بیرجندی، انتشارات مدرسه، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.

۴- راهنمای نگارش و ویرایش؛ محمدجعفر یاحقی - محمد مهدی ناصح، آستان قدس رضوی، چاپ دهم، ۱۳۷۱.

۵- درباره‌ی ویرایش (برگزیده‌ی مقاله‌های مجله‌ی نشر دانش)؛ مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

- ۶- شیوه‌نامه‌ی دانش‌نامه‌ی جهان اسلام؛ احمد سمیعی، بنیاد دایرةالمعارف اسلام، ۱۳۷۲.
- ۷- غلط‌نویسیم؛ ابوالحسن نجفی، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۸- مسائل نشر فارسی: مجموعه سخنرانی‌های اولین سمینار نگارش فارسی؛ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
- ۹- درباره‌ی زبان فارسی (املا - انشا - ترجمه)؛ مهدی درخشان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
- ۱۰- راهنمای آماده ساختن کتاب، میر شمس‌الدین ادیب سلطانی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۱- دستور خط فارسی؛ سلیم نیساری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

ث - نگارش

- ۱- کتاب کار نگارش و انشا (۱) و (۲)؛ حسن ذوالفقاری، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۷.
- ۲- آیین نگارش مقدماتی و پیشرفته (۲ جلد)؛ حسن انوری با همکاری هوشنگ ارژنگی، انتشارات رسّام، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۳- آیین نگارش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
- ۴- برسند سخن؛ نادر وزین‌پور (نویسنده)، گزارش‌نویسی، فن ترجمه، نقد ادبی، سخنوری،...، انتشارات فروغی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۵- مسائل نشر فارسی (مجموعه سخنرانی‌های اولین سمینار نگارش فارسی ۱۵ تا ۱۸ آبان ماه ۱۳۶۱)؛ انتشارات نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ۶- مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی؛ غلامرضا ستوده، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۷- مرجع‌شناسی؛ عباس ماهیار، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- ۸- مرجع‌شناسی؛ احمد رنجبر، انتشارات اساطیر.
- ۹- پژوهش و نگارش؛ علی صلح‌جو، انتشارات آگاه، ۱۳۶۸.
- ۱۰- زبان و ادبیات فارسی (عمومی)؛ حسن ذوالفقاری، غلامرضا عمرانی، فریده کریمی‌راد، انتشارات چشمه، چاپ نهم، ۱۳۸۰.

